

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرمایش شیخ انصاری(ره) در ارتباط با مرسله

عرض کردیم که مرحوم شیخ انصاری(اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند که ما اگر مرسله که شیخ طوسی(ره) در کتاب مبسوط را بپذیریم و ضعف سند آن را از راه موافقت مشهور یا اجماع جبران کنیم – این طور نیست که بگوییم این روایت بتواند آن روایات مطلقه کثیره ای که دلالت دارد بر این که مطلق استصبح صحیح و جایز است را تقیید بزند، بلکه – ما در اینجا یا باید بر استحباب حمل کنیم بر استحباب، یعنی بگوییم استصبح تحت السماء استحباب دارد، و یا بگوییم این مرسله يك حکم ارشادی که است. که ارشاد می کند به این که تحت السقف نباشد چون موجب تنجیس سقف می شود. این فرمایش مرحوم شیخ است. و عرض کردیم که امام(رضوان الله علیه) هم همین را پذیرفته اند.

نقد استاد بر شیخ(ره) و امام(ره)

اینجا تعلیقه که ما بر فرمایش شیخ(ره) و امام(ره) داریم حالا اگر ما بخواهیم بین این دو دسته از روایات جمع بکنیم؛ جمعش این است که مرسله را حمل بر کراهت کنیم، نه اینکه بگوییم تحت السماء بودن استحباب دارد. و بین این دو فرق روشنی است. طبق بیان شیخ باید بگوییم استصبح به دهن متنجس تحت السماء استحباب دارد. اما عرض ما این است که اگر ما بخواهیم جمع کنیم به این است که بگوییم وقتی این مرسله قابلیت تقیید ندارد، بگوئیم تحت السقف کراهت دارد، یعنی همان مطلبی که مرحوم شیخ طوسی(اعلی الله مقامه الشریف) فرمود که «و عندی انه مکروه» که استصبح تحت السقف کراهت دارد.

بنابراین، این اشکال وارد است که ما برای استحباب اصلاً دلیل و قرینه ای نداریم و برای جمع آن هم قرینه و شاهی لازم است. شما بگویید که این روایات مطلقه در مقام بیان هم بوده، از امام(ع) سؤال شده است دهنی متنجس شده است، آنرا چه کنیم؟ امام(ع) فرمودند با آن استصبح کنید. امام(ع) در مقام بیان همه خصوصیات هم بوده اما قید تحت السقف را نیاورده است، بگوییم آن روایت مرسله که از استصبح تحت السقف نهی می کند را حمل بر کراهت کنیم.

بررسی تعبدی بودن استصبح تحت السماء

نکته دومی که در اینجا باید توجه شود این است که برخی از فقهاء مثل مرحوم ابن ادریس(ره) در سرائر که عبارت ایشان را خواندیم، و مرحوم محقق(ره) در کتاب شرایع فرموده اند که قید «تحت السماء»، يك تعبد محض است، یعنی این که بگوییم در

روایات آمده که استصباح تحت السماء باشد و تحت السقف نباشد، این يك امر تعبدی محض است. اگر گفتیم تعبدی محض است، یعنی دیگر نجاست در آن ندارد، امام(ع) ما را متعبد کرده که حال که می خواهید از این دهن متنجس برای چراغ و استصباح استفاده کنید، باید تحت السماء باشد و تحت السقف نباشد.

فرمایش محقق خوئی(ره) پیرامون تقیید با مرسله

مرحوم آقای خوئی(قدس سره) هم در کتاب مصباح الفقاهة می فرمایند اگر ما این روایت مرسله را بپذیریم و مسأله ضعف سند را با عمل مشهور جبران کنیم - که البته ایشان هم در صغری مناقشه دارند و هم در کبری، در صغری می فرمایند اینطور نیست که مشهور به این روایت عمل کرده باشند و خود شیخ طوسی(ره) و مرحوم علامه(قده) در کتاب مختلف مخالفت کرده اند، و در کبری مکرر گفتیم که مبنای ایشان این است که عمل مشهور را جابر ضعف سند نمی دانند،

فرمودند حالا اگر ما اینها را کنار بگذاریم - این مرسله باید آن روایات مطلقه را تقیید کند. مرحوم شیخ گویا خواستند بفرمایند چون روایات مطلقه، کثیره است و در مقام بیان هم وارد شده است، این روایت مرسله نمی تواند آنها را تقیید کند. مرحوم آقای خوئی(قده) می فرمایند چرا نمی تواند تقیید کند؟ صرف این که روایات مطلقه کثیر و متعدده است، این سبب نمی شود که خبر و روایت مرسله نتواند تقیید بکند. این دو بحث را ما بررسی بکنیم؛ یکی مسأله تعبد و یکی مسأله تقیید را، که کاملاً به یکدیگر ارتباط دارد.

تقیید روایات مطلق کثیره با یک روایت مقیده

آیا اگر ما بیست روایت مطلق داریم، و يك روایت مقید داریم، این روایت مقید هم سندش درست است، آیا این يك روایت می تواند این بیست عدد را تقیید بزند یا نه؟ اگر يك روایت مطلق داریم يك روایت مقید، هردو هم صحیح است و هردو هم سندش حجیت دارد، این روایت مقید او را تقید می زند. مثلاً اگر 100 روایت بگوییم داریم و اینقدر زیاد است که ما یقین به صدور اینها پیدا کردیم، 100 روایت مطلق داریم و در میان این روایات، يك روایت مقید است اینجا مرحوم شیخ(قده) می فرماید چون این روایات مطلقه در مقام بیان است، این روایت مقید نمی تواند تقیید بزند.

نقد فرمایش شیخ(ره)

اینجا اشکال این است اولاً اگر در مقام بیان نباشد که نوبت به اطلاق نمی رسد، باید در مقام بیان باشد تا اطلاق درست شود بعد از این که اطلاقی حجیت داشت نوبت به تقیید برسد و الا اگر اصلاً در مقام بیان نباشد اطلاقی نداریم تا بخواهید تقیید بزنید.

لذا اینجا حق با مرحوم آقای خوئی است؛ که فرقی نمی کند اگر در يك جا روایات مطلقه زیاد بود، این زیاد بودن سبب نمی شود که بگوییم این يك روایت مطلق نمی تواند آن را تقیید بزند. شاهد خیلی خوبی که هست این است که آیات قرآن که قطعی الصدور است؛ اگر روایات مطلقه زیاد شد این کثرت روایات برای ما قطع به صدور می آورد و تازه می شود مثل آیه قرآن که ما قطع به صدورش داریم. اما همین آیه که ما قطع به صدورش داریم، اصولیین قایل هستند که با خبر واحد می شود آنرا تقیید زد. لذا این بیان که مرحوم شیخ فرموده شیخ فرموده «این روایات مطلقه چون متظافر است ابای از تقیید دارد»، به نظر می رسد که این حرف درستی نیست.

بررسی تعبدی بودن استصحاب تحت اسماء

بر فرضی که ما این مطلب را کنار بگذاریم، آیا این قیدی که در اینجا هست که حتماً تحت السماء باشد و تحت السقف نباشد، يك امر تعبدی است یا نه؟ عرض کردیم این ادريس(ره) و محقق(قده) می‌گویند تعبدی است. مرحوم آقای خوئی(قده) هم می‌فرمایند اگر این روایت مرسله صلاحیت برای تقیید روایات مطلقه را داشته باشد، این می‌شود يك قيد تعبدی محض، یعنی ما نمی‌دانیم علتش چیست؟ امام(ع) به ما فرموده اگر بخواهید از دهن متنجس برای استصحاب استفاده کنید این تحت آسمان باشد و تحت السقف نباشد.

نقد امام(ره) بر تعبدی بودن

امام(رضوان الله علیه) در کتاب مکاسب محرمة با این مطلب شدیداً مخالفت کرده‌اند و فرموده‌اند اگر ما بخواهیم بگوئیم این روایت مرسله تعبد محض است، این نه با فهم عرف مناسبت دارد و نه با قرینه مناسبت حکم و موضوع. - قرینه مناسبت حکم و موضوع این است که شارع این قيد تحت السماء را بخاطر چه آورده است؟ بخاطر این که روغن نجس شده است، اگر این روغن نجس نشده بود شارع این قيد را نمی‌آورد، پس معلوم می‌شود که مسأله تحت السماء برای این است که ما گرفتار نجاست نشویم - .

پس قرینه مناسبت حکم و موضوع و آنچه که عرف می‌تواند از این روایات بفهمد این است، عرف نمی‌گوید که باید تحت السماء باشد و اصلاً ارتباط به مسأله نجاست هم ندارد. اگر ما بخواهیم بگوئیم این تعبد محض است، باید بگوئیم حتی وقتی روایات نهی می‌کند از این که تحت السقف باشد، فرقی نمی‌کند سقف يك متری باشد یا سقف هزار متری باشد، وقتی می‌گوئیم تحت السقف نباشد همه اینها را شامل می‌شود، در حالی که این بر خلاف فهم عرف و بر خلاف قرینه مناسبت حکم و موضوع است. عرف وقتی می‌گوید امام(ع) از استصحاب تحت السقف نهی کرده، می‌گوید حتماً بخاطر نجاستی است.

آیا شيء نجس، دخان او نجس است؟ روغن نجس را آب کردید و بعنوان سراج و استصحاب استفاده می‌کنید، آیا این دخان، نجس است؟ بعضی سؤال می‌کنند که آیا بخار بول نجس است یا نجس نیست؟ اینجا يك دليل خیلی روشنی وجود دارد و این را در دهن شریفان بسپارید؛ دخان دهن متنجس یا بخار بول نجس نیست، چرا؟ چون اولاً احکام تابع عناوین و موضوعات است.

می‌گوئیم شارع فرموده «البول نجس»، ولي بخارش را نمی‌گوید. پس دليل اول این است که خود آن موضوع نجاست بر این دود و بر این بخار اطلاق نمی‌شود. دليل دوم این است اگر چیزی بخواهد نجس باشد ما نیاز به دليل داریم، برای دهن متنجس دليل داریم که خودش نجاست پیدا کرده است، برای دخنش چه دليلی داریم؟ برای بول دليل داریم که نجس است، اما برای بخارش دليل نداریم. دليل سوم این است که کسی در اینجا استصحاب جاری کند و بگوید این دودی که از این متنجس بلند شده، دود مال همین دهن است، این بخار مال همین بول است.

قبلاً که به صورت بول بوده نجس بوده حالا هم بصورت بخار شده، نجاست را استصحاب کنیم. بگوئیم استصحاب نجاست جریان ندارد، برای اینکه موضوع تغییر پیدا کرده است، و تمام اینها که کنار می‌رود، اصالة الطهارة جاری است؛ ما شك می‌کنیم آیا این دودی که از دهن متنجس بلند شد یا بخاری که از بول تصاعد پیدا کرد، آیا نجس است یا نه؟ اصالة الطهارة می‌گوید این پاك است.

پس خود دود، خود دخان، من حیث هو دخان، نجس نیست، اگر شما دستتان را هم روی این دهن متنجس که آب شده و بعنوان

سراج استفاده می‌کنید بگیریید، دستتان پاك است تا چه رسد به سقف و اینها. پس از یکطرف گفتیم فهم عرف و قرینه مناسبست حکم و موضوع می‌گوید این که امام(ع) فرموده تحت السماء باشد و تحت السقف نباشد، این تعبد محض نیست. از يك طرف دلیل روشن داریم. با این چهار بیانی که ذکر کردیم روشن شد که این دخان و بخار، نجس نیست.

مقصود امام(ع) از این روایت

پس اینجا مقصود امام(ع) چه بوده؟ يك بیان این است که بگوییم امام(ع) ارشاد می‌کند به این عنوان که گاهی اوقات در اثر حرارت، بعضی از اجزاء دهن متنجس تصاعد پیدا می‌کند اگر ما یقین داریم آنچه که تصاعد می‌کند دود است، این معنایش این است که آن دهن به این دود استحاله پیدا کرده است، اگر اجزای این دهن همراه این دود بالا می‌آید این اجزایش نجس است. امام(ع) می‌خواهند این را بفرمایند که چون احتمال دارد بعضی از اجزای دهن متنجس تصاعد پیدا کند و بالا بیاید، اینجا احتیاط کنید. امام(ع) می‌خواهد ارشاد کند که تحت السقف استصباح نکنید چون نجس می‌شود و الا خود تنجیس سقف هم مانعی ندارد، بلکه از آنجا که اگر بعضی از اجزای دهن بالا بیاید، ممکن است در بینی و صورت شما قرار گیرد، لذا ارشاد می‌کنند که این کار را نکنید.

ما عرض کردیم از روایت نمی‌شود استحباب را استفاده کرد، فوقش این است که ما از روایت ناهیه، یا کراهت را استفاده کنیم و یا بگوییم ارشاد به این است که این کار انجام نشود. مجموعاً ما وقتی این روایات را با این مرسله روی هم بگذاریم و بگوییم یقین داریم که امام(ع) در مقام تعبد محض نیست، و بگوییم دلیلی برای نجاست دخان من حیث هو دخان نداریم، می‌گوییم که چون ممکن است وقتی که این دهن متنجس برای استصباح استفاده می‌شود اجزایی از این دهن متصاعد می‌شود - اجزاء هم اگر اجزای صغیره و غیرقابل اعتنا باشد، باز آن هم کالعدم است، اما اجزای معتد به مثل اینکه يك ساعت می‌خواهد این روشن باشد - اینجا امام(ع) ارشاد می‌کند به این که احتیاط کنید و از این کار اجتناب بکنید.

نتیجه بررسی مرسله با روایات مطلق

نتیجه این است که ما وقتی این روایات مطلقه را داریم این روایت مرسله را از باب احتیاط حمل بر ارشاد به اجتناب می‌کنیم. امام(ره) نمی‌خواهد در اینجا احتیاط شرعی را بیان کند، همه یقین داریم که اگر سقفتان را با خون هم نجس کنید بازمانعی ندارد، منتها امام(ع) در اینجا ارشاد می‌کند که کسی مایل نیست منزلش نجس شود لذا این کار انجام نشود. پس ما نتیجه می‌گیریم که مطلقاً را تقیید نمی‌زنیم، تقیید در صورتی است که این روایت ناهیه، يك امر تعبدی محض باشد و در مقام بیان يك حکم مولوی هم باشد. اما اگر در مقام بیان ارشاد است به این که نمی‌خواهد سقفتان نجس شود، نتیجه این است که این تحت السقف بودن لزوم شرعی ندارد، بلکه يك امر ارشادی است.

لذا اگر کسی دهن متنجس را در اتاق و تحت سقف هم بعنوان سراج استفاده کرده، این مانعی ندارد. اینجا این نکته را عرض کنیم که امام(رضوان الله علیه) در همین کتاب المكاسب المحرمه در یکی دو مورد فرموده‌اند که همان جمع شیخ انصاری(ره) جمع خیلی خوبی است که حمل بر استحباب کرده، بعد در ادامه و آخر کلامشان يك عباراتی دارند که از آن عبارات استفاده می‌شود که مثلاً این روایت مرسله در مقام این است که «یحسن الاحتراز»، احتراز از این که تحت السقف باشد خوب است برای این که مبتلا به نجس نشود، تقریباً يك مقداری تمایل پیدا کردند به این که این ارشاد به این است که منزل شخص نجس نشود یا دست و صورت انسان نجس نشود ارشاد.

تذکر یک مطلب

این نکته را عرض کنم که اگر کسی جمع مرحوم شیخ را پذیرفت - البته شیخ هم اشاره به ارشاد می‌کند اما آن جمع اولش که مسأله استحباب است را ما رد کردیم و گفتیم اگر هم بخواهیم جمع کنیم باید حمل بر کراهت کنیم، نه استحباب - حالا اگر کسی آن جمع را پذیرفت آیا این با قول به ارشاد، سازگای دارد؟ خیر. بعبارة اخرى؛ جمع ملازمه دارد با اینکه ما بگوییم تعبد محض است. اگر ما قایل شدیم به اینکه استصحاب تحت السماء استحباب دارد اما تحت السقف نه، این می‌شود تعبد محض، لذا نمی‌توان جمع بین این دو مطلب کرد، که از يك طرف استحباب را بپذیریم از يك طرف هم بگوییم تعبد نیست، این يك نکته.

مراد امام(ره) از استحباب

نکته دوم در کلمات برخی از بزرگان اینطور آمده که امام(رضوان الله علیه) مقصودشان از استحباب، استحباب طریقی است، نه استحباب نفسی. و مراد از استحباب طریقی یعنی «استحباب الاحتیاط» که احتیاط خودش يك امر طریقی است. مقصود این است که بگوییم مراد از استحباب، استحباب نفسی نیست بلکه يك امر طریقی است به نظر ما این برداشت، برداشت درستی نیست؛ بلکه اگر ما حمل بر ارشاد کردیم، ارشاد به احتیاط، آن می‌شود يك حسن احتیاط عقلی، و شرعی هم نیست. استحباب الاحتیاط که ما بخواهیم عنوان شرعی به آن بدهیم، نه از کلمات شیخ(ره) استفاده می‌شود و نه از کلمات مرحوم امام استفاده می‌شود.

نتیجه بحث

پس نتیجه بحث این شد که عرض کردیم اگر مرسله را سنداً بپذیریم و سندش را با عمل مشهور جبران کنیم و بگوییم در مقام يك حکم تعبدی محض است، راه منحصر می‌شود به این که قایل شویم به این که استصحاب تحت السقف کراهت دارد، و چیز دیگر هم نمی‌توانیم بگوییم. اما اگر قایل شدیم که این روایت مرسله يك امر تعبدی محض نیست بلکه يك عنوان ارشادی دارد، دیگر قابلیت تقیید روایات مطلقه را ندارد. نتیجه می‌گیریم که در اینجا امام(ع) يك «حسن احتیاط عقلی» و «يك ارشاد به احتیاط عقلی» بیان می‌کنند. این ما حاصل این بحث‌ها بحث دیگری که ان شاء الله روز دوشنبه عرض می‌کنیم.

و صل الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.